



چارلز بوکفسکی

سوختن در آب، غرق شدن در آتش

—گزیده اشعار—

ترجمه‌ی پیمان خاکسار

شعرجهان ...

www.ketab.ir

سرشناسه: بوکوفسکی، چارلز، ۱۹۹۴ - ۱۹۲۰ م.

Bukowski, Charles

عنوان و نام پدیدآور: سوختن در آب، غرق شدن در آتش / گزیده اشعار چارلز بوکوفسکی

ترجمه‌ی پیمان خاکسار

مشخصات نشر: تهران: نشر چشمه، ۱۳۸۶

مشخصات ظاهری: ۱۸۸ ص

شابک: 978-964-362-401-9

عنوان اصلی: Burning in Water, Drowning in Flame, 1974

فهرست‌نویسی براساس اطلاعات فیبا

موضوع: گزیده اشعار چارلز بوکوفسکی، شعر آمریکایی - قرن ۲۰ م. ترجمه‌شده از انگلیسی

شناسه‌ی افزوده: خاکسار، پیمان، - ۱۳۵۴، مترجم

رده‌بندی کنگره: ۱۳۸۶ س ۹ / ۶۷ PS ۳۵۵۳

رده‌بندی دیویی: ۸۱۱ / ۵۴

شماره‌ی کتاب‌شناسی ملی: ۴۱۵۰۰۱۱

رومندی نشر چشمه: ادبیات - شعر غیر فارسی - مجموعه شعر امریکایی

سوختن در آب، غرق شدن در آتش
گزیده اشعار چارلز بوکوفسکی
ترجمه‌ی پیمان خاکسار

ویراستار: احمد پوری

مدیر هنری: فؤاد فراهانی

طراح گرافیک متن: پندرام حریبی

لیتوگرافی: هماگرافیک

چاپ: حیدری

تیراژ: ۱۰۰۰ نسخه

چاپ اول: تابستان ۱۳۸۷، تهران

چاپ سیزدهم: پاییز ۱۴۰۰، تهران

ناظر فنی چاپ: یوسف امیرکیان

حق چاپ و انتشار محفوظ و مخصوص نشر چشمه است.

هرگونه اقتباس و استفاده از این اثر، مشروط به دریافت اجازتی کتبی ناشر است.

شابک: ۹-۴۰۱-۳۶۲-۹۶۴-۹۷۸

دفتر مرکزی نشر چشمه: تهران، خیابان کارگر شمالی، تقاطع بزرگراه شهید گمنام، کوچه‌ی چهارم، پلاک ۲. تلفن: ۸۸۳۳۳۶۰۰ — کتاب‌فروشی نشر چشمه‌ی کریم‌خان: تهران، خیابان کریم‌خان زند، نبش میرزای شیرازی، شماره‌ی ۱۰۷. تلفن: ۸۸۹۰۷۷۶۶ — کتاب‌فروشی نشر چشمه‌ی کووش: تهران، بزرگراه ستاری شمال، نبش خیابان پیامبر مرکزی، مجتمع تجاری کووش، طبقه‌ی پنجم، واحد ۴. تلفن: ۴۴۹۷۱۹۸۹ — کتاب‌فروشی نشر چشمه‌ی آرن: تهران، شهرک قدس (غرب)، بلوار فرحناهی، نرسیده به بزرگراه نیایش، خیابان حافظ، نبش خیابان فخارمقدم، مجتمع تجاری آرن، طبقه‌ی ۲. تلفن: ۷۵۴۲۵۴۵۵ — کتاب‌فروشی نشر چشمه‌ی کارگر: تهران، خیابان کارگر شمالی، تقاطع بزرگراه شهید گمنام، کوچه‌ی چهارم، پلاک ۲. تلفن: ۸۸۳۳۳۵۸۳ — کتاب‌فروشی نشر چشمه‌ی جم: نیاوران، جماران، مجتمع تجاری جم‌سنتر، طبقه‌ی دوم، پلاک ۱۱. تلفن: ۲۶۴۵۰۸۷۲ — کتاب‌فروشی نشر چشمه‌ی بابل: بابل، خیابان شریعتی، روبه‌روی شیرینی‌سرای بابل. تلفن: ۳۲۳۳۴۵۷۱ (۰۱۱) — کتاب‌فروشی نشر چشمه‌ی دلشدگان: مشهد، بلوار وکیل‌آباد، بین وکیل‌آباد هجده و بیست (بین هفت‌تیر و هنرستان)، پلاک ۳۸۶. تلفن: ۳۸۶۷۸۵۸۷ (۰۵۱) — کتاب‌فروشی نشر چشمه‌ی رشت: رشت، خیابان معلم، میدان سرگل، ابتدای کوچه‌ی هفدهم. تلفن: ۲۱۴۹۸۴۸۹ (۰۹۰) — کتاب‌فروشی نشر چشمه‌ی البرز: کرج، عظیمیه، بلوار شریعتی، مرکز تجاری فرهنگی مهرادمال، طبقه‌ی پنجم. تلفن: ۳۵۷۷۷۵۰۱ (۰۲۶)

www.cheshmeh.ir

cheshmehpublication

cheshmehpublication

پخش کتاب چشمه: تلفن: ۷۷۷۸۸۵۰۲

فهرست

مقدمه	۱۳
آره راست می‌گی	۱۷
اعتراف	۱۸
اکنون	۲۰
او گفت	۲۲
این	۲۴
ایتل ۱۶ یعنی ۸۰۸۸ چیپ	۲۶
با یک تابعه ملاقات کردم	۲۷
باران	۲۸
بدترین‌ها و بهترین‌ها	۲۹
برای جین: با تمام عشقم که باز کافی نبود	۳۲
برای جین	۳۴
برای روباه‌ها	۳۵
بریدن صورت وقت اصلاح	۳۷
بگذار در برت بگیرند	۳۹
بودا چیناسکی می‌گوید	۴۷
بیگانه‌ها	۴۹
پاریس	۵۱
پرده‌ی نمایش	۵۴
پرنده‌ی آبی	۵۵
پس می‌خواهی نویسنده شوی	۵۷
تباهی	۶۰
تنها میان جمع	۶۱

۶۲	جهنم جای دلگیری ست
۶۵	جوان در نیواورلیان
۶۸	چه می توانیم بکنیم؟
۷۰	حرفه ی نمایش
۷۲	خانه
۷۵	خب، حالا؟
۷۶	خرد شدن
۸۱	خواب
۸۳	خوش اقبال ها
۸۵	دوستان در تاریکی
۸۷	دیوانه ها همیشه دوستم داشته اند
۹۰	رادیوی با دل و جرئت
۹۲	زوال
۹۳	سطل زیاله
۹۴	سلام، خوب اید؟
۹۶	شب بزرگ بر فراز شهر
۹۸	شبی که داشتم می مردم
۱۰۰	شعرخوانی
۱۰۲	شعر
۱۰۳	شعری برای تولد چهل و سه سالگی ام
۱۰۴	شلخته ی بزرگ
۱۰۵	عشق و شهرت و مرگ
۱۰۶	علت و معلول

۱۰۷	فاکتر
۱۰۸	فایده‌ی یک عنوان چیست؟
۱۱۰	فروتنان وارثان زمین اند
۱۱۱	قصه‌ی وقت خواب
۱۱۳	کارسون مک کالرز
۱۱۴	کامپیوتر من
۱۱۷	کتاب‌ها تو رو دوست دارم
۱۱۹	کمال اندوه
۱۲۱	گاوها در کلاس نقاشی
۱۲۴	لبخند به یاد ماندنی
۱۲۶	ما مطرودان
۱۳۷	مادر
۱۳۹	مالیخولیا
۱۴۱	مدرسه‌ی شبانه
۱۴۳	مرده
۱۴۴	مردی با چشمان زیبا
۱۴۹	مرگ یک ابله
۱۵۱	مسخ
۱۵۳	می‌نوشی؟
۱۵۵	نبوغ جمعی
۱۵۸	نتیجه‌گیری
۱۵۹	نزدیکی به عظمت
۱۶۱	نوشتن

نیروانا	۱۶۳
و ماه و ستاره‌ها و دنیا	۱۶۶
ول‌گردی با جین	۱۶۷
یعنی تنها منم؟	۱۶۸
یک روز دیگر	۱۶۹
یک و سی و شش دقیقه‌ی صبح	۱۷۲
یک آدم بامزه	۱۷۵
... و خورشید از رحمتش دردمی کشد	۱۷۶
تکه‌هایی از سؤال و جواب شال‌پن با چارلز بوکفسکی	۱۸۱

مقدمه

چارلز بوکفسکی (۱۹۹۴-۱۹۲۰) از مادری آلمانی و پدری آمریکایی - لهستانی با نام اصلی هاینریش کارل بوکفسکی در آندرناخ آلمان متولد شد. بعد از سقوط اقتصاد آلمان بعد از جنگ جهانی اول پدر و مادرش به همراه او به آمریکا مهاجرت کردند. پدر بوکفسکی بیشتر اوقات بی کار بود ولی هر روز کیف به دست از خانه خارج می شد تا خانواده اش متوجه بی کاری او نشوند. در نوجوانی مبتلا به آکنه شدیدی شد که تا پایان عمر او را آبله رو کرد. بعد از فارغ التحصیلی از دبیرستان لوس آنجلس وارد کالج شهر لوس آنجلس شد و واحدهای هنر، روزنامه نگاری و ادبیات را گذراند. در بیست سالگی پدرش بعد از خواندن نوشته های بوکفسکی او را از خانه بیرون کرد و خانه به دوشی بوکفسکی آغاز شد. اولین نوشته اش در ۲۴ سالگی در مجله قصه چاپ شد ولی آن قدر از فرایند انتشار آثارش دلزده شد که برای تقریباً ۱۰ سال هیچ نوشت. بیشتر این زمان را در آمریکا می چرخید و شغل های سطح پایین می پذیرفت و در اتاق های ارزان قیمت زندگی می کرد. در اوایل دهه ی پنجاه بوکفسکی شغلی در اداره ی پست آمریکا پیدا کرد ولی پس از سه سال رهایش کرد. در همین دوران نوشتن را دوباره شروع کرد. او همچنین نقاشی هم می کرد و کار تصویرسازی بعضی کتاب هایش را خود انجام می داد. در دهه ی شصت دوباره به اداره ی پست لوس آنجلس برگشت و برای بیش از ده سال در آنجا به عنوان نامرسان ماندگار شد. در سال ۱۹۶۳ اولین مجموعه شعر بوکفسکی به نام *قلیم را در دستانش می گیرد* با پشتیبانی مالی یکی از دوستانش منتشر شد. هر روز هم در ستونی از یک روزنامه ی زیرزمینی لوس آنجلس می نوشت. در سال ۱۹۶۹ مدیر انتشارات بلک سپرو به بوکفسکی قول داد که تا پایان عمر ماهیانه صد دلار به او بپردازد به این شرط که بوکفسکی از اداره ی پست استعفا بدهد و نویسنده ای

تمام وقت شود. بوکفسکی پذیرفت و برای قدردانی، حتا پس از مشهور شدنش، تمام کتاب‌هایش را با همین انتشارات کوچک منتشر کرد. در نامه‌ای درباره‌ی این تصمیم نوشته است: «دو راه داشتم، در اداره‌ی پست بمانم و دیوانه شوم یا بنویسم و گرسنگی بکشم. تصمیم گرفتم که گرسنگی بکشم.» یک‌ماه بعد از استعفایش اولین رمانش را به نام *اداره‌ی پست* تمام کرد. بعد از این دوره بود که بوکفسکی مشهور شد. البته بیشتر در اروپا. در سن ۵۶ سالگی برای اولین بار از امریکا خارج شد و برای شرکت در مراسم بزرگداشتی به کانادا رفت. یک‌بار هم به خاطر دعوتی به اروپا سفر کرد. نظرش درباره‌ی سفر این بود: «سفر جز دردسر و زحمت نیست.» بوکفسکی پس از نوشتن هزاران شعر، صدها داستان کوتاه و شش رمان در ابتلا به سرطان خون در ۷۳ سالگی در کالیفرنیا درگذشت. مراسم تدفین او توسط راهبان بودایی انجام شد. روی سنگ قبرش حک شده: تلاش نکن.

امریکایی که بوکفسکی در اشعار و داستان‌هایش تصویر می‌کند زمین تا آسمان با آن چیزی که در پس ذهن‌مان به عنوان سرزمین آرزوها ساخته‌اند تفاوت دارد. همان قدر پر از دورویی و فقر و تبعیض و فرصت‌طلبی که هر جای دیگر. بوکفسکی همان قدر که زندگی را دوست داشت همان قدر هم از هر چیزی که زندگی را بیالاید متنفر بود.

در جایی گفته: «من به خوبی اعتقاد دارم. چیزی که درون‌مان وجود دارد و می‌تواند رشد کند. مثلاً وقتی در جاده‌ای پر رفت و آمد غریبه‌ای به من راه می‌دهد تا رد شوم. قلبم گرم می‌شود.» این اولین بار است که مجموعه‌ای از اشعار بوکفسکی به فارسی منتشر می‌شود. اشعار این مجموعه از میان چندین کتاب بوکفسکی انتخاب و ترجمه شده است. اگر به نظرتان می‌رسد که

بعضی بخش‌ها نثرگونه است دلیل این است که بوکفسکی از قافیه‌پردازی گریزان بود. تا این حد

که کسی جرئت نداشت در برابر او حرف از قافیه بزند!

سؤال و جواب بوکفسکی که در انتهای این کتاب آمده شناخت خوبی از شخصیت بوکفسکی

دست می‌دهد. اگر قبل‌تر چیزی از بوکفسکی نخوانده‌اید توصیه می‌کنم که ابتدا سری به این

سؤال و جواب بزنید.

به‌عنوان مترجم تشکری بپایان دارم از آقای احمد پوری که من را در درک بعضی پیچیدگی‌های

زبان بوکفسکی کمک بسیار کردند.

www.ketab.ir